

## رازهای استجاب دعاهای انبیاء و اولیاء در قرآن کریم

رحمت الله حمیدی

orazgani@yahoo.com

### چکیده

دعا نوعی ارتباط کلامی بنده با خداوند متعال است که بنده خواسته خود را از خداوند متعال می‌خواهد، این خواسته‌ی مدعو گاهی مورد اقبال خداوند متعال قرار گرفته و خواسته بنده‌اش را اجابت می‌کند، و گاهی مورد اقبال قرار نگرفته و دست رد به سینه مدعو زده است. و این قبول شدن و عدم قبول شدن دعا در دعاهای انبیاء و اولیاء الهی نیز مطرح است که چرا خداوند بعضی دعاها را مورد اقبال قرار داده و بعضی دیگر رد نموده است؟ و برای پاسخ این سؤال باید به وحی و قرآن رجوع نمود که راز استجاب دعاهای انبیاء و اولیاء خدا چیست؟ با بررسی بعضی دعاهای قرآنی به این نتیجه رسیدم که عوامل متعدد از شناخت و ایمان بخدا گرفته تا آداب و شوه دعا در استجاب آن دخیل است، و آنچه که مورد توجه است این است که انبیاء و اولیاء خدا در دعاهای شان اول توبه و استغفار و اقرار به عجز خود در مقابل خداوند نموده است و بعد از آسامی و صفات خداوند بویژه از صفت ربوبیت خداوند استمداد نموده و در آخر خواسته شان را از خداوند منان در خواست نموده است.

**کلید واژه:** قرآن کریم، دعا، دعای مستجاب، انبیاء،

## مقدمه

دعا در حقیقت یاری خواستن از قدرت بی نهایت است که او از بندگان خویش خواست تا او را بخواند و او دعا و خواست آنان را مستجاب نماید «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر:60) و اما خیلی از دعا های است که بنا به مصالحی مستجاب نمی شود، و در منابع اسلامی به راز و عوامل استجاب دعا توجه شده و عده در این مورد کتاب و مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است با عناوین عوامل استجاب دعا و عوامل عدم اجابت دعا و آداب و شرائط دعای مستجاب را در منابع قرآنی و روایی مورد بررسی قرار داده است، تحقیق که ما در پیش داریم انشاء الله می خواهیم عوامل و راز استجاب دعا های انبیا و اولیاء الهی را در قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و جواب این سوال که راز استجاب دعا های انبیا و اولیاء در قرآن کریم چیست؟

برای پاسخ به این سوال ما در سه بخش آیات مربوط به دعا های قرآنی را مورد بررسی قرار می دهیم:

1. مفهوم دعا در قرآن کریم.
2. راز استجاب دعا های انبیا و اولیاء را از قرآن و تفاسیر مورد بررسی قرار دادیم.
3. و در آخر نتیجه گیری نموده و جواب این سؤال را پاسخ داده ایم

## مفهوم دعا در قرآن

دعا در لغت: بمعنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد آمده است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است مثل **فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا** (نوح: 6) و گاهی مراد همان در خواست و استمداد است مثل **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ** (ابراهیم: 39) دعوه نیز بمعنی خواندن میباشد. (قریشی، 1385: ج 2، ص 344)

دعا در قرآن کریم به معانی عبادت و دعوت و طلب نیاز و استغاثه آمده است.

1- به معنای **عبادت**: آنجای که خداوند متعال می فرماید: **«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»** و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا پرستید. (جن: 18) و **«إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ»** در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می خوانید، بندگانی امثال شما هستند؛ یعنی آنان که به جای خدا آنها را می پرستید. (اعراف: 149)

2- به معنای **دعوت**: و آنجای که می فرماید: **«أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ»** آن مشرکان (شما را) به سوی آتش دعوت می کنند، در حالی که خداوند با فرمان و دستورات خود، شما را به بهشت و آمرزش فرا می خواند. (بقره: 221).

3- به معنای **طلب و استغاثه**: و آنجای که می فرماید: **«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»** و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبر ورزند، به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند. (غافر: 60) و در جای دیگر می فرماید: **«وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»** (اعراف: 56) و با بیم و امید، او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. در البته در معانی دیگر نیز بکار رفته است که ما متذکر نمی شویم.

در اصطلاح دعا عبارت است از "درخواست توأم با خضوع و تضرع بنده از خداوند." (عده‌الداعی:ص12)

#### دعای مستجاب

استجاب مشتق از «جوب» به معنی بریدن و قطع کردن است « وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ؛ و قوم تمود که سنگها را در دره بریدند. و خانه‌ها ساختند.» جواب را از انجهد جواب گویند که سخن با آن قطع میشود. (فجر:9)... استجابت بمعنی اجابت است و حقیقت آن مهیا شدن برای جواب است ولی چون مهیا شدن در اغلب از اجابت منفک نیست، اجابت را استجابت گفته‌اند. طبرسی ذیل آیه 186 بقره فرموده: اجابت و استجابت بیک معنی است. (قریشی، 1412هق: ج2، ص86).

این معنی در قران کریم نیز به این معنی نیز استعمال شده است « أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ؛ ای قوم ما دعوت این داعی به سوی خدا را بپذیرید » (احقاف:31) و « مَنْ لَا يُجِيبُ دَاعِيَ اللَّهِ؛ و بدانید که اگر کسی دعوت داعی به سوی خدا را اجابت نکند نمی‌تواند خدای را در زمین عاجز کند » (همان:23). (راغب اصفهانی:ج1ص429) و اجابت به معنی: پذیرفتن دعوت و خواهش کسی. (جمعی از پژوهشگران، 1424هق:ج1، ص233) و "استجابت" و "اجابت" به معنای پذیرفتن دعوت داعی، و روی آوردن بسوی اوست، این است معنای دعا و اجابت، و اما درخواست حاجت در دعا، و برآوردن حاجت در استجابت، جزء معنا نیست، بلکه غایت و متمم معنای آن دو است. (علامه طباطبایی: ج11 ص434)

پس اجابت در اصطلاح به معنای اقبال خدوند به سوی دعا کننده و بر طرف کردن حاجت و اعطای خواسته اوست، چه خواسته او برای دنیا باشد و چه برای آخرت. (دکتر عبدالله جاج علی، 1387: 61) و در آیات متعددی خداوند متعال از ما خواسته که خواسته های مان را از او طلب کنیم. « وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » (غافر:60) و هم چنین می فرماید: « وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هنگامی که بندگان من از تو در باره من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم! دعای دعا

کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند).» (بقره: 186).

در نتیجه منظور از دعا در این تحقیق دعا به معنای درخواست و طلب بنده از خداوند متعال است. و مقصود از استجاب پذیرش دعا و خواسته است که مورد اقبال خداوند متعال قرار می گیرد. یعنی دعاها و خواسته های که توسط انبیاء و اولیاء الله مطرح شده و مورد پذیرش خداوند متعال قرار گرفته است.

### راز استجاب دعا های انبیاء و اولیاء

برای یافتن راز استجاب دعا های قرآنی باید از ابعاد مختلف مورد بحث قرار بگیرد که ما اکنون از جانب دعا کننده گان و آن هم از جانب انبیاء الهی مورد بررسی قرار می دهیم که باتوجه به دعا های موجود در قرآن کریم موارد زیر باعث استجاب دعا های آنها شده است.

#### خواست خود خداوند متعال

خداوند متعال قولی قطعی به استجاب دعای که مخالف حکمتش نباشد را داده است در آنجای که می فرماید: « وَ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي اُسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ » و پروردگارتان گفت: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من سر باز زده و تکبر می ورزند به زودی با سرافکنندگی به جهنم وارد می شوند». و در جای دیگر می فرماید: « وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ » و هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسند (بگو: ) همانا من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می خواند پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که به رشد رسند. (بقره: 186) انبیاء الهی اولین کسانی هستند که این دعوت قطعی خداوند را در یافت می کنند و با قطع از خداوند متعال خواسته هایش را می خواهند، البته این خواسته ها نباید مغایر با حکمت الهی باشند و الا مستجاب نخواهد شد مثل دعای حضرت نوح علیه السلام که برای نجات فرزندش را از خداوند است و این کار خلاف حکمت الهی بود

چون خداوند مؤمنین را می خواست نجات دهد نه کافران را لذا در جواب حضرت نوح علیه السلام فرمود: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: 47) (خداوند در پاسخ) فرمود: ای نوح! او (در واقع) از خاندان تو (و نبوت) نیست، او (دارای) عمل ناشایستی است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من منخواه، همانا من تو را موعظه می کنم که (مبادا) از جاهلان باشی.

#### ایمان به خداوند و حسن ظن به استجاب دعا

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید که دعای کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می دهند استجاب می کند «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (شوری: 26) و در آیه قبلی نیز می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» همانا کسانی که از عبادت من سر باز زده و تکبر می ورزند به زودی با سرافکنندگی به جهنم وارد می شوند. و برای همین است که فقط خداوند را در دعا بخوانیم که او خواست و دعای ما را می پذیرد. «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». و انبیاء الهی در قله ایمان و حسن ظن به استجاب دعا است. و خداوند می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» و باز می فرماید: «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ» و امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ» (کلینی: ج 2، ص 473) و در جای دیگر می خوانیم خداوند را در حالت خوف و رجا باید بخوانیم «وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (اعراف: 56)

#### اخلاص در دعا

یکی از شرائط دعا اخلاص در دعا است که در قرآن کریم می خوانیم «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ پس خدا را بخوانید در حالی که دین خود را برای او پیراسته کرده اید، هر چند کافران را ناخوش آید. (غافر: 14) و در سوره اعراف می خوانیم «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف: 29) بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار

دیگر در رستاخیز) باز می گردید! و اخلاص یکی از ویژگی های انبیاء الهی است که جز برای رضای خدا عمل را انجام نمی دهند؛ و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّيَ وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» (جن: 20)

### با تضرع و مخفیانه

دعا و درخواست بنده از خداوند باید در حالت تضرع و زاری و مخفیانه باشد «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً» (انعام: 63) و در مورد حضرت زکریا علیه السلام می خوانیم «إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا؛ زمانی که پروردگارش را با ندایی پنهان خواند.» (مریم: 3) تفسیر نور آمده: "دعای پنهانی با ارزش تر است، چون به اخلاص نزدیک تر است. «نِدَاءً خَفِيًّا»، در حدیث آمده است: «خیر الدعاء الخفی» بهترین دعا، دعایی است که پنهانی باشد. (قرائتی: ج 5، ص: 243)

و همچنین می خوانیم که خداوند دعای در مانده را مستجاب می کند «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا» کیست که هرگاه در مانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند. (نمل: 62) و در مورد حضرت نوح علیه السلام نیز می بینیم که وقتی در مانده شدن از خداوند برای نجات شان با اخلاص دعا می کنند: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ» پس هنگامی که بر کشتی سوار شوند (و خطر را احساس کنند)، خدا را با اخلاص می خوانند. (عنکبوت: 65) و شرط استجاب دعا، قطع امید از دیگران و اخلاص در دعاست. «يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ» (قرائتی: ج 6، ص 445) حضرت ایوب علیه السلام وقتی گرفتار شدید درد و مشکلات شده به خداوند متعال عرضه می دارد: «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» و (بیاد آور) ایوب را آن زمان که پروردگارش را ندا داد که همانا به من آسیب رسیده و تو مهربانترین مهربانانی. (انبیاء: 83) و خداوند متعال در جواب در خواست پیامبرش می فرماید: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ» پس (دعای) او را مستجاب کردیم و سختی او را برداشتیم و خاندانش را به او باز گرداندیم و همانندشان را (نیز) با ایشان (همراه کردیم تا هم) رحمتی از سوی ما (به او باشد و هم یادآوری) و پند و تذکری برای عبادت کنندگان. (انبیاء: 84)

## بهره گیری از اسماء الهی

بهره گرفتن از اسماء الهی یکی از آداب دعا خداوند می فرماید من را با اسماء حسنی بخوانید «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف:180) در همه ادعیه قرآنی انبیاء و اولیاء الهی از اسماء و صفات خداوند منان استفاده نموده است که در زیر نمونه های از آن را می آوریم:

1. حضرت آدم و حوا علیهما السلام در دعای شان از صفت ربوبیت خداوند استفاده نموده است و این دعای شان مستجاب هم شده است « قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ بارالها، ما به خود ستم کردیم که نافرمانی تو کردیم اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ما از زیان کاران خواهیم بود. (اعراف:23)

2. حضرت نوح علیه السلام بعد از اینکه از طوفان نجات یافت خداوند را با صفت حمد ستایش نموده «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ؛ « حمد برای خدایی است که ما را از دست ستمکاران نجات داد. و بگو: بارالها، مرا در منزلگاهی مبارک جای ده، [زیرا] تو بهترین فرود آورندگان. (مومنین:28 و 29)

3. ملائکه وقتی برای اهل زمین دعا و استغفار می کند از تسبیح و حمد خداوند متعال کمک می گیرد «وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ فرشتگان تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند.»

و در بین همه این اسماء الحسنی خداوند متعال صفت ربوبیت بشتترین کار برد را داشته که در زیر بیان می کنیم:

### شروع دعا با کلمه «رَبِّ»

کلمه ی «رَبِّ» بهترین کلمه برای دعاست. بعد از کلمه ی «اللَّهِ» بیشترین کلمه در قرآن کلمه ی «رَبِّ» است و معمولاً در همه ی دعاها به کار رفته است. (قرائتی، 1389: ج 6،



ص 101) و یکی از اسرار استجاب دعا همین کلمه‌ی ربّ است که در دعا‌های انبیاء و مؤمنین و ملائکه بکار رفته است.

✓ در دعای آدم علیه السلام است که فرمود: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ بارالها، ما به خود ستم کردیم که نافرمانی تو کردیم اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ما از زیان کاران خواهیم بود». (اعراف: 23)

✓ در دعای نوح علیه السلام آمده است: « رَبُّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ، وَإِنْ لَا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ »؛ بارالها، من به تو پناه می برم از این که چیزی را که به آن آگاهی ندارم از تو بخواهم، اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیان کاران خواهم بود. (هود: 47)

✓ و حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ بارالها، بیامرز مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را در روزی که حساب برپا می شود». (ابراهیم: 34-35)

✓ و حضرت سلیمان نبی این گونه دعا نمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ خداوندا، مرا بیامرز و حکومتی به من ببخش که شایسته هیچ کس پس از من نباشد، همانا تو بسیار عطا کننده ای». (ص، 35)

✓ دعای حضرت موسی علیه السلام: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي \* وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي \* وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي؛ بارالها، سینه ام را گشاده دار. مأموریتم را برایم آسان کن. گره از زبانم بگشا. تا سختم را بفهمند. از خاندانم برایم یآوری قرارده». (طه: 25-30)

✓ دعای حضرت عیسی علیه السلام «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَيِّ وَنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بارالها، پروردگارا! بر ما مائده آسمانی فرو فرست تا برای اول و آخر ما عید شود، و نشانه ای از تو باشد، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی». (مائده: 114)

✓ دعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم: «رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ؛ خداوندا! بیامرز، و رحم کن، تو بهترین رحم کنندگانی.» (مؤمنون: 118)

✓ دعای ملائکه: «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ؛ بارالها، رحمت و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس بیامرز کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیمودند، و آنان را از آتش جهنم بازدار.» (غافر: 7)

✓ دعای مؤمنین: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ بارالها، ما و برادران و خواهران ما را که پیش از ما ایمان آوردند بیامرز، و در دل های ما نسبت به افرادی که ایمان آوردند کینه و دشمنی قرارنده؛ بارالها، تو مهربان و رحیمی.» (حشر: 10)

در همه این دعاها می بینیم که کلمه «رَبِّ» بکارفته است و سرّ این را نیز در تفاسیر مورد بحث قرار داده که چرا دعاهای قرآنی با کلمه مبارک «رَبِّ» شروع میشود؟ و ما بصورت خلاصه آن را در اینجا می آوریم:

### مفهوم رَبِّ

در لغت به معنی "تربیت کردن «رَبِّ الصَّبِيِّ رَبًّا: ربّاه حتی ادرك» یعنی بچه را تربیت کرد تا برشد رسید. (اقرّب) و اطلاق آن بر فاعل یعنی مرّبی بطور استعاره است. راغب میگوید: رَبِّ در اصل بمعنی تربیت است. و در معانی مالک، صاحب، مرّبی، و مصلح نیز بکار رفته است. رب در غیر خدا بصورت اضافه استفاده می شود نه مطلق." (قریشی، 1371ش: ج 3، ص 43)

"رَبِّ بمعنی مرّبی از اسماء حسنی است و مقام ربوبیت خداوند را روشن میکند یعنی آنگاه که در وصف خدا گفته شود: رَبِّ الْعَالَمِينَ. مراد پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات است. همانطوریکه یکنفر طفل را تربیت میکند و پیوسته مواظب اوست و از نان و آب و لباس و اخلاق و تحصیل او غفلت ندارد. هم چنین اطلاق کلمه رَبِّ بر خداوند سبحان مبین این معنی است. [واز مضمون آنچه که کلمه رَبِّ در قران کریم استفاده شده] روشن میکند که

خداوند پرورش دهنده تمام موجودات است هم خلقت از جانب اوست و هم تربیت علی هذا خالق و مربی و معبود فقط خدای سبحان است." (همان: ج 3، ص 43-44)

در تفسیر نمونه می نویسد: "از این تعبیرات به خوبی استفاده می شود که بهترین دعا آن است که از مساله ربوبیت پروردگار آغاز شود، درست است که نام مبارک "الله" جامعترین نامهای خدا است ولی از آنجا که تقاضا از محضر پر لطف او تناسب با مساله ربوبیت دارد، ربوبیتی که از ناحیه خداوند از نخستین لحظات وجود انسان آغاز می شود و تا آخر عمر او و بعد از آن ادامه دارد، و انسان را غرق الطاف الهی می کند، خواندن خداوند به این نام در آغاز دعاها از هر نام دیگر مناسبتر و شایسته تر است." (مکارم: ج 20، ص 24)

پس اینکه در دعا می خوانیم "ربنا" یعنی ای کسی خالق و پرورش دهنده من در تمام لحظات زندگی هستی. برای همین بشتین ادعیه قرآنی با کلمه ربنا شروع می شود.

در ادعیه قرآنی می بینیم که انبیاء الهی و مومنین و ملائکه ی خدا دعای شان را با اسماء الحسنی خداوند متعال شروع می کند که بشتین دعاهای قرآنی با کلمه ربنا شروع میشود: چنانچه «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» و «رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا» و «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» و «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا» و «رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ» و «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» و «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا» و «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» و «رَبِّ اغْفِرْ» و «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ» و «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ».

### زمان در دعا

یکی از موارد که در ادعیه قرآنی مورد توجه قرار گرفته است زمان هان خاص برای دعا است و در قرآن می خوانیم: «يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ» (انعام: 52) و فرزندان یعقوب علیه السلام برای اینکه از خداوند برای آنها طلب استغفار کنند حضرت برای زمان خاصی برای فرزندان دعا میکند. «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ \* قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ؛ (فرزندان) گفتند: ای پدر! برای گناهانمان (از خداوند) طلب آمرزش کن

که براستی ما خطاکار بودیم. (یعقوب) گفت: بزودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می‌کنم، براستی که او، خود آمرزنده و بسیار مهربان است.» (یوسف: 97، 98)

پس معلوم است که زمان در دعا دخیل است که قرآن آن را بیان نموده و انبیاء الهی نیز در زمان های خاص دعا می‌کنند، و بهترین زمان برای دعا و ذکر و یاد خدا در اول و آخر روز است. «وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، و خداوند را بامدادان و شامگاهان، تسبیح گوید.» (فتح: 9) و خداوند متعال در مورد مؤمنان متقی می‌فرماید: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ \* وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (برنامه‌شان این بود که) اندکی از شب را می‌خوابیدند. و در سحرگاهان، استغفار می‌کردند.» (ذاریات: آیه 19-17) و امام صادق علیه السلام فرمود: برترین زمان برای دعا، وقت سحر است. چون خداوند فرموده است: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (قرائتی: ج 9، ص: 247)

#### اعتراف به عجز و استغفار قبل از دعا

یکی از موارد که در دعاهاى انبیاء و اولیا به چشم می‌خورد اعتراف به عجز و تواضع شان است که در مورد حضرت آدم علیه السلام می‌خوانیم: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آدم و حوا) گفتند: پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.» (اعراف: 23) و در تفسیر نور ذیل همین نکته می‌خوانیم از آداب دعا و استغفار، ابتدا اعتراف به گناه است. «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا.» (قرائتی: ج 3، ص 41)

حضرت زکریا در دعای خود ابتدا به عجز و ناتوانی خود اعتراف نموده می‌فرماید: «رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (زکریا) گفت: پروردگارا! همانا استخوانم سست شده، و (موی) سرم از شعله‌ی پیری، سفید شده است و پروردگارا! من هرگز در دعای تو (از اجابت) محروم نبوده‌ام.» (مریم: 4)

در تفسیر نور از این آیه مبارکه اینگونه استفاده نموده "در دعا از کلمه‌ی «رَبِّ» استمداد بجوییم، رَبِّ ... رَبِّ ... رَبِّ از ضعف‌های خود بگوییم، «وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» نعمت‌ها و الطاف خدا را ذکر کنیم. «وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» آنگاه حاجت خود را به زبان آوریم.

«فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (قرائتی: ج 5، ص 243) و در جای دیگر می نویسد: "آداب دعا این است: ابتدا تسبیح و تحمید، «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» سپس تجلیل و توصیف، «وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةٌ وَعِلْمًا» آن گاه دعا. «فَاغْفِرْ» (همان: ج 8، ص 220)

نوح علیه السلام از خداوند خواست که فرزندش را نجات دهد خداوند به او عرضه که او از خاندان تو نیست، او ناشایست است، آنچه را که به آن آگاهی نداری از من مخواه و نوح علیه السلام به خود آمد و گفت: رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ، وَإِنْ لَا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ بارالها، من به تو پناه می برم از این که چیزی را که به آن آگاهی ندارم از تو بخواهم، اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیان کاران خواهم بود.» (هود: 47)

#### تناسب خواسته داعی با صفات مدعو

در دعاهای قرآنی یکی از موارد که مورد توجه قرار گرفته تناسب خواست داعی با صفات مدعو است که حضرت عیسی علیه السلام در خواسته اش از خداوند متعال می فرماید: «... اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ عیسی عرض کرد: خداوندا، پروردگارا! مائده ای از آسمان بر ما بفرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه ای از تو، و به ما روزی ده، تو بهترین روزی دهندگانی.» (مائده: 114) در خواستی نبی خدا بین خواسته ی او "مائده=روزی" و توصیف خداوند متعال که فرمود «وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ».

حضرت ابراهیم و اسماعیل بعد از ساختن کعبه دست به دعا برداشته فرمود: « رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ بارالها، از ما پذیر؛ تو شنوا و دانایی» (بقره: 127) یعنی پرودکارا این سعی ما را در ساخت خانه کعبه مورد قبول خود قرار دهید چرا که تو این دعای ما را میشنوی و به سعی و کار ما در ساخت بیت الله الحرام گاهی.

و باز دارد که « رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ بارالها، در میان فرزندان ما پیامبری برگزین که آیات تو را بر مردم بخواند و کتاب و حکمت به آنان آموزد و آنها را تزکیه کند؛ همانا تو عزیز و حکیمی.»

(بقره: 129) در این دعا حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال خواسته که از نسل او پیامبر را بر گزیند و حکمت را به او بیاموزد، و خداوند با صفت عزت و حکمت یاد می کند «  
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

### نتیجه

دعا به معنای درخواست و طلب بنده از خداوند متعال است. و مقصود از استجاب پذیرش دعا و خواسته‌ی است که مورد اقبال خداوند متعال قرار می گیرد. با بررسی برخی از ادعیه قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که اولاً دعا کردن و خواستن از خداوند متعال واجب است که بنده با ایمان قاطع برای حل گرفتاری هایش از او استمداد نماید. ثانیاً دعا کردن آدابی دارد که باید ابتدا با اخلاص و در حالت تضرع و زاری و مخفیانه در زمان های خاص (صبحگاهان و سحرگاهان) با این شیوه که اولاً توبه و استغفار نموده و به عجز خود در مقابل خداوند متعال اقرار نماید و با استمداد از آسماء و صفات خداوند متناسب با درخواست که دارد؛ بویژه از صفت و مقام ربوبیت الهی از او خواسته‌اش را بخواهد که این شیوه دعا را ما در قرآن کریم در دعاهای انبیاء الهی مشاهده میکنیم.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

رحمت الله حمیدی

## منابع

1. قرآن کریم
2. حاج علی، عبد الله، شمیم دل انگیز استجابت دعا به بهانه روز عرفه، مجله معارف اسلامی، شماره: 61، سال 1387.
3. قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1371 ش، چاپ ششم.
4. حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، عدّه الداعی و نجاح الساعی، دار الکتب العربی، بیروت - لبنان، اول، 1407 هـ.ق.
5. راغب اصفهانی حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ دارالعلم الدار الشامیة؛ دمشق بیروت؛ 1412 ق.
6. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان؛ ترجمه فارسی موسوی همدانی سید محمد باقر؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم؛ 1374 ش؛ قم.
7. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.
8. قرائتی محسن؛ تفسیر نور؛ مرکز فرهنگی درسهای از قرآن؛ 1383 ش؛ تهران.
9. مکارم شیرازی ناصر؛ تفسیر نمونه؛ دار الکتب الإسلامیة؛ تهران؛ 1374 ش.
10. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، 1426 هـ.ق.